

کافه خاطره صبا، محفلی نوستالژیک در دنیای فرهنگ و هنر

اصفهان چهار راه هنر ایران است



تقریباً هم دوره بودند و ارحام صدر و نصرالله وحدت از شاگردان ایشان بودند و تقریباً اغلب چهره‌های سرشناس هنری برای دیدن کارهای استاد به اصفهان می‌آمدند.

مثلاً چه کسانی؟

غلامحسین نقشبینه، تفکری و خیلی از بزرگان دیگر هنر می‌آمدند. استاد فرهمند سوای نمایش‌های خارجی آثار ایرانی مثل «تخت جمشید در آتش» را روی صحنه بردند. کمدی‌ای که ارائه می‌کردند بسیار معروف بود و در قالب شخصیت عبدالغفار پیرمردی سده‌ی (یکی از لهجه‌های ایرانی که مردم سده اصفهان بدان تکلم می‌کنند) بالهجه‌ای شیرین بین مردم شناخته شده و محبوب بود و حاوی سبک تئاتر اصفهانی بود و در این سبک اغلب شخصیت‌ها با دانش، نقاد و بذله‌گو هستند و قهرمان قصه هم حتی اگر نقش خاکستری داشت حرف‌های مهم و اساسی مطرح می‌کرد. خوشبختانه این سبک حتی بعد از درگذشت استاد ارحام صدر همچنان به کارش ادامه می‌دهد و به نظرم باید مورد بازخوانی مجددی قرار بگیرد. در آن زمان هنرمند نامی دیگری در تئاتر اصفهان به نام آقاجون رفیعی بود که محبوبیت زیادی داشت و تئاترهایی نیز در میدان نقش جهان روی صحنه می‌برد.

آیا در آن دوران مرادوات تئاتری با سایر شهرها وجود داشت؟

بله، از تهران و سایر شهرستان‌ها گروه‌هایی می‌آمدند.

آیا فعالیت جدی خودتان را از اواخر دهه چهل آغاز کردید؟

اوایل دهه چهل در تهران درس می‌خواندم و در محل هاشمی و سلسبیل زندگی می‌کردیم و پدرم در این محله مغازه‌ای داشتند. دوران ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراندم و در خلال این سالها به اصفهان می‌آمدم و تئاتر می‌دیدم و با پشت صحنه تئاتر آشنا شدم و روزگار خوبی را تجربه کردم. در تهران هم چند نمایش به واسطه حضورم در کاخ جوانان در دبیرستان اجرا کردم. در زمان خدمت سربازی هم بخش تئاتری را در پادگان ارتش راه اندازی کردم و در این خلال به اصفهان بازگشتم و به صورت حرفه‌ای تئاتر و بازیگری را دنبال کردم و سالی در آن دوران در چهار باغ اجرا کردم و سالها برای مردم تئاتر روی صحنه بردم.

آیا با رضا ارحام صدر تجربه همکاری داشتید؟

بله، نمایشی را با حمایت ایشان اجرا و بازی کردم و در اصفهان و حتی تهران هم روی صحنه رفت. نمایشی که بسیار پر مخاطب بود و بخشی از درآمدش صرف کارهای خیریه شد. حضور ایشان برای من مایه برکت بود. در این دوران گروه تئاتری فرهنگی و هنری اصفهان را راه اندازی کردم و تا به امروز بیش از صد نمایش را اجرا کرده‌ایم.

سوژه اغلب نمایش‌های شما درباره زندگی مردم و کوچه بازار است. آیا در نوشتن متن‌ها از زندگی مردم الهام می‌گرفتید؟

متن‌های زیادی نوشته‌ام و اغلب آنها هم به مسائل اجتماعی توجه دارد. مسائلی مثل جنگ، کار جوان‌ها در ژاپن و یا احتکار و غیره. نمایشی مثل «عزیز فرنگی» هم نقد حضور ایرانی‌ها در خارج از کشور و توجه‌شان به کارهای خلاف بود. نمایشی هم درباره سالمندان اجرا کردم.

به همه نوع سلیقه‌ای توجه داشتید؟

بله، نمایش‌های من همه نوع مشتری داشت و کارهایم چون تحت تاثیر مکتب اصفهانی و وجود نگاه انتقادی - اجتماعی بود خیلی مورد توجه مردم قرار گرفت. خیلی وقت‌ها که در خیابان قدم می‌زنم مردم اکثر دیالوگ نمایش‌های من را حفظ هستند و بیان‌شان می‌کنند و این نشان می‌دهد کارهایم در حافظه مردم کوچه و

در دهه شصت و هفتاد که شبکه‌های تلویزیونی محدود بودند. بعد از راه اندازی شبکه ۵ این شبکه تلویزیونی به سراغ تجربه‌های تازه رفت و یکی از آن تجربه‌های موفق و پر مخاطب ضبط و پخش نمایش‌های کمدی - انتقادی حسین اکلیلی بود که یک برند نام آشنا در تئاتر و تلویزیون اصفهان بود. مردی قد بلند و با صلابت که شخصیت آدم‌های کوچه و بازار مثل کارگر، کاسب، لبو فروش و مدیر و پلیس را به شایستگی و درست ایفا می‌کرد. اغلب مخاطبان اکلیلی را با مجموعه آقای گرفتار می‌شناسند و این هنرمند در دوران کاری‌اش با بزرگانی چون امرالله احمدجو، مجتبی راعی و اکبر خواجویی همکاری داشته است. هشت بهشت به کارگردانی اکبر خواجوی، رمال باشی، مرده خور، هفت سین، خاتون، قهرمان عوضی، دل خوش سیری چند، تفنگ سرپر، آقای گرفتار، جنگجوی پیروز و یکی بود یکی نبود، از جمله کارهای موفق کارنامه کاری اکلیلی محسوب می‌شوند. حسین اکلیلی این ماه، مهمان ویژه کافه خاطره روزنامه صبا شده تا مروری به دوران پر بار کاری‌اش در این پنج دهه داشته باشیم که در ادامه می‌خوانید.

رشد هنر نمایش و سینما همسان با تهران در اصفهان در سال‌های دور روند جریان سازی در تاریخ هنر ایران داشته است. ریشه شکل‌گیری این جریان چگونه انجام شد؟

نام اصفهان و پیشینه درخشان و غنی فرهنگی‌اش اعتباری است که به هنر نمایش الصاق شده است. لهجه شیرین اصفهانی هم نمکین و ویژگی‌های طنازانه دارد و به عنوان یکی از بازوهای هنر بازیگری به بازیگران اصفهانی کمک کرده تا در عرصه کاری‌شان موفق باشند. شهر اصفهان با وجود جوش و خروش و روان بودن زاینده رود الهام بخش جوشش هنر در بین آدم‌های مستعد می‌شد و آنها در فضایی متفاوت رشد می‌کردند. از میان ۲۰۰ هنر صنایع دستی تقریباً بیش از ۱۴۰ تای آنها پیشینه شکل‌گیری‌اش در شهر اصفهان بوده است. هنرهایی که این روزها متأسفانه برخی از آنها رو به منسوخ شدن می‌روند. اصفهان در مرکز و قلب ایران قرار گرفته و به چهار راه هنر ایران مبدل شده است.

خاستگاه مکتب تئاتر اصفهان به دهه چهل و فعالیت‌های استاد ارحام صدر برمی‌گردد و یا ریشه کهن‌تری دارد؟

قبل از استاد ارحام صدر آقای ناصر فرهمند تئاتر اصفهان را جریان دهی کرد که جزو اعجوبه‌های نمایشی ایران است و ایشان در حوزه تئاترهای خارجی و اقتباسی از آثار شکسپیر و سایرین سرآمد بوده و نقش اتلورا آنچنان درخشان بازی کرده که تحسین همه را برانگیخته بود. استاد فرهمند اولین هنرمند تئاتری است که جایزه جهانی یونسکو هنری را برای ایران کسب کرد.

آیا استاد فرهمند هم دوره عبدالحسین نوشین و اصغر تفکری و سایرین بود؟

احمد محمد اسماعیلی
گفت و گو

